

مجله موسیقی

سال دوم شهر یور و مهر ۱۳۱۹ شماره ششم و هفتم



نگارش م. هشرودی

بیان در موسیقی

عشق، کینه، رشک، غرور، ایمان احساساتی هستند که مفهوم زشتی و زیبایی را در آنها حکمی نیست. اما طرز ایستادن نمایشهایی هستند که با موسیقی سروکار ندارند، بسیاری از موسیقی دانان بر آنند که تنها با وسایل زیبا شناسانه Esthétique آهنگ و صوت میتوان این احساسات و این نمایشها را بیان نمود. بهترین آزمایشی که درباره مطلب فوق میتوان بکار آورد چنان است که در پیانو تکه هائی موسیقی اجرا شود دارای يك عنوان یا يك برنامه و یا سخنانی بشرط آنکه

شنوندگان را از آنها آگاهی نباشد سپس از آنان خواسته شود که جدا جدا احساساتی را که دریافتند یا نمایشهایی که این موسیقی در جلو نظرشان فراز آورده است شرح دهند و چگونگی آنها را بیان کنند.

چنین آزمایشی که گفته شد بارها بصورت اجرا درآمده لیکن ضد و نقیض های شگفتی بدست داده است شنوندگان جز در تأثیرات دینامیک آن در چیز دیگر سازگار نیستند مانند جنبش یا آرامش، بر شدن یا فرو شدن، انتظام یا آشوب، نیروئی که آکنده میشود یا تلاشی که پراکنده میشود. آباء عشق یا کینه است که (گروشنندو) (نیرومندانه) می رود؛ و یا یک شوق و حرص سیاسی یا دینی است که آریتانو (هیجان آمیز) می رود موسیقی از آن آگاهی ندارد و نمیتواند هم داشته باشد بگوئید اگر موسیقی را بر آن آشنائی نیست موسیقی دانرا هست لیکن میکوئیم موسیقی دان گاهی هم کمراه میشود و آنکهی بسیاری از شاهکارهای موسیقی هست که هیچ نامی از دیگران وام نگرفته و نامهای ساده دارند مانند: (دنباله ارکستر در ر) یا (سمفونی در اوت کوچک) یا (درآمد) و (کورال) و (گریز، فوک) مرز بندیهای موسیقی سره در همین جا نهاده میشود همه چیزهای دیگر جز انتقال فکر نیست و آنها غنغن نبوده بلکه بدلیخواه و اختیاری است.

پروفسور شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هانسلیک Hanslick میگوید موسیقی میتواند روش دینامیک (جنبشی) احساسات را نقاشی کند نه خود احساسات را (*) (و بطور کلی هر سانحه که در روان اجرا مینماید خود چنان زورمند است که احتیاجی بیلا تر از آن نیست تا بموسیقی نسبت داده شود) Stendhal رمان نویس نامی که خود موسیقی دانی کج سلیقه بوده موسیقی را وقتی بکار میبرد که بکار دیگری میپرداخت تا بتواند در زمینه آن دومی بیندیشد و این کارگاهی عشق و رزی و گاهی شالوده تسلیح و انگیزش یونانیان بود و از روی یقین میگفت (موسیقی که بمن فرصت بدهد تا در زمینه خود موسیقی و خوبی

*) رجوع کنید بمقاله (هنر) [در شماره های سابق مجله] اجرا و تفسیر و تالیف

با بدی آن بیندیشیم موسیقی بد است) با همه عقاید منتشره موسیقی دان واقعی آن کس نیست که فکرش از محیط موسیقی بالاتر رود بلکه کسیست که موسیقی خود برای او بسنده و کافی است این کس موسیقی را در خیال خود نمی پرورد بلکه خیال خود را در موسیقی پرورش میدهد .

(اقتباس از عقاید لالو)

